

## یک میلیارد چینی<sup>۲</sup>

سرانجام اطلاعات قسابل اعتماد در مورد جمعیت جمهوری خلق چین ، پر جمعیت ترین کشور دنیا، فراهم گردید. این اطلاعات که از اولین نتایج سرشماری چین (اول ماه جولای ۱۹۸۲) به دست آمده ، نشان می دهد جمعیت چین سریعتر و بیشتر از آنچه که جمعیت شناسان در داخل و خارج این جمهوری برآورد کرده بودند افزایش یافته است .

سرشماری قبلی چین در سال ۱۹۵۳ در شرایط دشوار بعد از انقلاب انجام گردید، همچنین سرشماری ناقصی در سال ۱۹۶۴ به عمل آمد. در پنج سال گذشته مقامات مسئول چین برآوردهای سالیانه مربوط به افزایش طبیعی جمعیت را بر مبنای « میزان های نایژه زاد و ولد و مرگ و میر<sup>۳</sup> » همراه با محاسبات احتمالی جمعیت میانه هر سال برای کشور منتشر کرده اند . با وجود این ، جمعیت شناسان سازمان ملل به ارائه برآوردهای جداگانه از تغییرات جمعیت شناختی چین ادامه داده و این برآوردها را مبنای ارقام تطبیقی مندرج در سالنامه های جمعیتی سازمان ملل قرار داده اند.

نتایج سرشماری ۱۹۸۲ نارسایی‌هایی را دربر آورده‌ایی که توسط چینی‌ها و جمعیت‌شناسان سازمان ملل ارائه شده بود آشکار ساخته است. با توجه به سلسله نشریات جمعیتی که توسط چینی‌ها برای سال‌های ۸۰ - ۱۹۷۵ منتشر شده است، جمعیت چین می‌بایستی در سال ۱۹۸۲ بد ۳۴/۱۰۰۰ میلیون نفر می‌رسید. برآوردهای سازمان ملل رقم ۹۸۱/۸۹ میلیون را ارائه می‌دهد. در واقع، طبق سرشماری ۱۹۸۲، جمهوری خلق چین دارای ۱۰۰۸/۱۸ میلیون نفر جمعیت بوده است.

در سال‌های اخیر تحقیق در مورد جمعیت چین با در نظر گرفتن میزان رشد طبیعی جمعیت و بویژه با توجه به سیاست‌های معروف جمعیتی این کشور که در جهت کاهش میزان‌زاد و ولد از طریق اعمال فشار و استفاده از وسایل جلوگیری از باروری می‌باشد، صورت گرفته است. سازمان ملل میزان افزایش طبیعی سالانه جمعیت چین را برای دوره ۸۰-۱۹۷۵، ۱/۳ درصد بر آورد کرده بود، در حالی که منابع چینی میزان افزایش طبیعی ۱/۲ درصد را برای سال ۱۹۸۰ و میزان متوسط افزایش سالانه ۱/۲۷ درصد را برای دوره ۸۰-۱۹۷۵ ملاک عمل قرار دادند.

سرشماری ۱۹۸۲ سئوالات ویژه‌ای را در مورد تعداد موالید و مرگ و میر جمعیت در سال ۱۹۸۱ مطرح نمود و پس از انجام اصلاحات در جهت برطرف کردن کم شماری، میزان کلی افزایش طبیعی ۱/۴۶ درصد که نتیجه ۲۱ در هزار میزان ناویژه ولادت و ۶/۴ در هزار میزان ناویژه مرگ و میر در آن سال بود به دست آمد.

با وجود این، باید قبول کرد که میزان افزایش طبیعی جمعیت در سال ۱۹۸۱ حتی با در نظر گرفتن نارسایی‌های آماری، پایین‌تر از سال‌های قبل بوده است. در سال ۱۹۶۳ سازمان ملل میزان افزایش طبیعی چین را ۲ درصد بر آورد کرد، در حالی که بر آورد چینی‌ها ۳/۳ درصد بود. قطعاً در میزان افزایش جمعیت چین کاهش واقعی صورت گرفته است، اما دستیابی به میزان ۰/۵ درصد رشد سالانه تا سال ۱۹۸۵ که هدف دولت و بر مبنای آخرین مبارزه تبلیغاتی «یک بچه برای یک

خانواده» طرح ریزی شده است ، مورد تردید می باشد .

درواقع ، بررسی اخیر چینی ها در مورد اطلاعات مربوط به باروری جمعیت بیانگر این نکته است که میزان افزایش طبیعی جمعیت بعد از رسیدن به پایین ترین حد ۱۱/۹ در هزار در سال ۱۹۸۰ مجدداً شروع به افزایش کرده است. این افزایش تاحدی به دگرگونی ساختمان سنی جمعیت و به تعداد زیاد موالید سال های قبل از انقلاب فرهنگی که در حال حاضر به میانه بیست سالگی نزدیک می شوند ، مربوط می گردد. همچنین اخیراً عدم تمایلی هر چند جزئی ولی قابل توجه در اعمال کنترل باروری مشاهده می گردد .

در حالی که جمعیت جمهوری خلق چین به طور کلی بین سرشماری های ۱۹۵۳ و ۱۹۸۲ ، ۷۳ درصد افزایش یافته است ، اما این میزان افزایش شامل تمامی نقاط کشور نمی شود . قابل توجه ترین نکته ، میزان پایین تر از حد متوسط افزایش جمعیت در اغلب استان های پر جمعیت چین مانند هبی<sup>۴</sup> شامل یکن و کیانگ سو<sup>۵</sup> شامل شانگهای می باشد . با وجود این ، پایین ترین میزان افزایش جمعیت در تبت دیده می شود که در آنجا سرعت افزایش جمعیت طی ۳۰ سال گذشته در اثر جریانات سیاسی محلی کند شده است .

از طرف دیگر استان هایی که شاهد سریع ترین افزایش جمعیت بوده اند استان های حاشیه ای ، بویژه در امتداد جبهه شمالی کشور ، هم مرز با مغولستان و شوروی می باشند ، آنجا که هیلوننگ<sup>۶</sup> (منچوری) ، مغولستان داخلی ، سینگ یانگ<sup>۷</sup> ، از سال ۱۹۵۳ ، جمعیت خود را به میزان دو برابر افزایش داده اند. همچنین افزایش سریع جمعیت در استان های هم مرز هندوچین و دو استان شرقی بندرگاهی کم تراکم یعنی کیانگ سی<sup>۸</sup> و فوجیان<sup>۹</sup> دیده می شود .

نکاتی چند در توجیه این الگوها قابل ذکر است: اولاً دلایل موجود نشان دهنده این واقعیت است که سیاست های کنترل جمعیت ، اولین بار و به طور بسیار جدی ، در پر جمعیت ترین استان ها در مناطق مرکزی کشور به مورد اجرا گذاشته شد. در

این نواحی میزان افزایش طبیعی جمعیت به پایین ترین حد خود رسید و تا سال ۱۹۷۸ در استان‌های متعددی که در رأس آنها سی‌چوان<sup>۱۱</sup> قرار داشت میزان افزایش طبیعی سالانه جمعیت کم‌تر از ۱۰ در هزار بود.

دومین دلیل عدم یکنواختی میزان افزایش جمعیت به اقلیت‌های متعدد قومی مربوط می‌گردد که در حدود هفت درصد جمعیت چین را تشکیل می‌دهند. دولت به لحاظ نشان دادن علاقه خود به آینده مناطقی که جمعیت آنها را اقلیت‌های قومی تشکیل می‌دهند، سیاست‌های جمعیتی را در آن مناطق به طور دقیق اعمال نکرده است. اقلیت‌های قومی متعددی در طی دوره ۸۲-۱۹۵۳ افزایشی بیش از افزایش کلی جمعیت چین نشان می‌دهد.

این امر در مورد ژوانگ‌ها<sup>۱۲</sup> (در منطقه خودمختار گوانگ‌سی<sup>۱۳</sup> و ژوانگ‌های هوی<sup>۱۴</sup>) (مسلمانان چینی، بویژه در منطقه گان‌سو<sup>۱۵</sup> و منطقه مورد تمرکز آنان در ناحیه خودمختار نینگ‌سیا<sup>۱۶</sup> هوی)، میائو<sup>۱۷</sup> (بویژه در استان‌های یونان<sup>۱۸</sup>)، گوانگ‌سی و گويزهو<sup>۱۹</sup>) و مغول‌ها در امتداد مرز شمالی مصداق دارد. هر کدام از این اقلیت‌ها بین سال‌های ۸۲-۱۹۵۳ جمعیت خود را به بیش از دوبرابر افزایش داده‌اند.

با این همه، مسلمان‌مهمترین توجیه الگوهای افزایش جمعیت در چین مهاجرت هدایت شده<sup>۲۰</sup> جمعیت می‌باشد. گسترش مناطق شهری به طور قابل توجهی بالا رفتن میزان‌های افزایش جمعیت را در شهرهای بزرگ موجب شده است (شانگهای با ۹۱ درصد و پکن با ۲۳۳ درصد افزایش جمعیت از سال ۱۹۵۳)، اما نواحی پرجمعیت روستایی استان‌های واقع در منطقه مرکزی و شرقی کشور تنها شاهد میزان متوسط افزایش جمعیت بوده‌اند. آمارهای مربوط به افزایش جمعیت در سطح استان‌ها اثر جهت‌گیری گسترده مهاجرت شغلی<sup>۲۱</sup> جمعیت را به منظور عمران روستایی و فعالیت‌های کشاورزی به طرف سینگ‌یانگ، به منظور احیای اراضی به طرف هیلونگ‌کیانگ، برای استخراج معدن در مغولستان داخلی و کینگ‌های<sup>۲۲</sup> و برای

فعالیت‌های صنعتی به طرف استان‌های شمالی و غربی به انضمام سینگ‌یانگ ، کینگ‌های و مغولستان داخلی نشان می‌دهد .

تداوم این مهاجرت‌های هدایت شده مورد تردید است ، به طوری که عده کثیری از مهاجرینی که در دوره انقلاب فرهنگی و بعد از آن به استان‌های حاشیه‌ای فرستاده شده بودند افراد جوانی بود که هر موقع فرصت مناسبی برایشان پیش آمده به زادگاه‌های خود مراجعت نموده‌اند، تا جایی که مراجعت این مهاجرین تمرکز مهاجرت‌های هدایت شده را در دوره بعد از مائو تضعیف کرده است .

هر چند که به‌طور چشمگیر در سیاست‌های جمعیتی چینی علاقه‌افزایی در جهت کنترل مولید وجود داشته‌است، اما در سال‌های اخیر سیاست‌های مربوط به مهاجرت شغلی جمعیت است که در شکل‌گیری مجدد نقشه‌های پراکندگی و افزایش جمعیت چین نقش مهم و عمده‌ای دارد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## درصد افزایش جمعیت در استان‌های چین (۱۹۵۳-۱۹۸۲)

نام استان	جمعیت در سال ۱۹۸۲ (به میلیون نفر)	درصد افزایش (۱۹۵۳-۱۹۸۲)
سی‌چوان	۹۹/۷	۵۱/۷
هنان <sup>۲۲</sup>	۷۴/۴	۶۸/۳
شان‌دونگ <sup>۲۳</sup>	۷۴/۴	۵۲/۱
کیانگ‌سو	۷۲/۴	۵۲/۷
هبی	۷۰	۵۰/۲
گوانگ‌دونگ <sup>۱۴</sup>	۵۹/۳	۷۰/۴
هونان <sup>۲۵</sup>	۵۴	۶۲/۷
آنهویی <sup>۲۶</sup>	۴۹/۷	۶۴
هویی	۲۷/۸	۷۱/۹
زی‌کیانگ <sup>۲۷</sup>	۳۸/۹	۶۹/۹
گوانگ‌سی	۳۶/۴	۵۸/۷
لیائونینگ <sup>۲۸</sup>	۳۵/۷	۹۳
کیانگ‌سی	۳۳/۲	۹۷/۶
هیلونگ‌کیانگ	۳۲/۷	۱۷۴/۸
یونان	۳۲/۶	۸۶/۳
شانگ‌سی <sup>۲۹</sup>	۲۸/۹	۸۱/۸
گویزهو	۲۸/۶	۹۰/۷

## بقیه جدول

درصدافزایش (۱۹۵۳-۱۹۸۲)	جمعیت در سال ۱۹۸۲ (به میلیون نفر)	نام استان
۹۷/۷	۲۵/۹	فوجیان
۷۶/۹	۲۵/۳	شنک سی <sup>۲</sup>
۸۲/۲	۲۳/۵	گان سو
۱۰۰	۲۲/۶	جیلین <sup>۳</sup>
۲۱۶/۴	۱۹/۳	مغولستان داخلی
۱۶۷/۳	۱۳/۱	سینگک یانگک
۱۳۲/۱	۳/۹	کینگک های
۴۸/۸		تبت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## یادداشت‌ها

### 1. Paul White

۲- این مقاله توسط پل وایت، استاد جغرافیای دانشگاه شفیلد انگلستان نوشته شده

و در مجله جغرافیایی (Geographical Magazine)، شماره ۱، جلد ۶۵، ژانویه ۱۹۸۴  
به چاپ رسیده است.

3. crude birth and death rates

4. Hebei

5. Jiangsu

6. Heilongjiang

7. Xingjiang

8. Jiangxi

9. Fujian

10. Sichuan

11. Zhuangs

12. Guangxi

13. Hui

14. Gansu

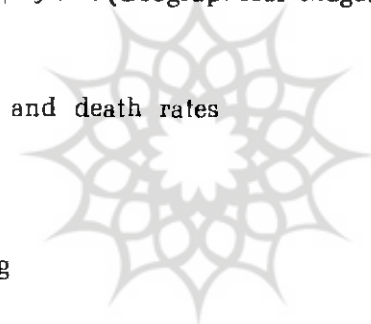
15. Ningxia

16. Miao

17. Yunnan

18. Guizhou

19. directed migration



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



20. labour migration
21. Qinghai
22. Henan
23. Shandong
24. Guangdong
25. Hunan
26. Anhui
27. Zhejiang
28. Liaoning
29. Shaanxi
30. Shanxi
31. Jilin



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی